

بررسی اثر جهانی‌شدن بر توسعه‌ی شهری

نادر زالی^۱، سمیه اشرفی^۲

چکیده

جابه‌جایی و انتقال فزاینده‌ی مردم، کالاها، سرمایه و اطلاعات، دنیا را جهانی کرده است. جهانی‌شدن^۳ فرآیند رو به گسترشی است که همه‌ی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهرهای جهان را در بر گرفته است؛ هر کدام از این ابعاد در فرآیند توسعه‌ی شهری مهم‌اند، اما بعد اقتصادی بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر است. به نظر می‌رسد در فرآیند جهانی‌شدن مهم‌ترین و پیشتازترین بخش، اقتصاد بوده است؛ این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که روند جهانی‌شدن بیشترین تأثیرات خود را بر اقتصاد جهان داشته است. جهانی‌شدن اقتصادی مستلزم یکپارچگی اقتصادی کشورهای جهان از طریق افزایش جریان کالا و خدمات، سرمایه و حتی نیروی کار است. جهانی‌شدن بویژه از بعد اقتصادی آن موجب شده نوع، شرایط و سطح زندگی روزمره‌ی انسان‌ها بخصوص ساکنان شهرها به طور اساسی متحول شود. بنابراین برای دستیابی به توسعه‌ی شهری ضروری است که همزمان با پیشرفت فناوری و همگام با ارتباطات اقتصادی در جهان گام برداریم. هدف از تحقیق حاضر روشن ساختن ماهیت جهانی‌شدن اقتصاد بر توسعه‌ی شهری است.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌شدن، شهر، توسعه‌ی شهری.

مقدمه

هر عصری تکیه بر مفاهیمی دارد که تصور عموم مردم را به خود جلب می‌کند و اخیراً جهانی‌شدن به عنوان یکی از این مفاهیم در عصر ما ظهور کرده است (پور احمد و رستمی، 1384: 3). امروزه مرزها، ساختارها، گروه‌ها و نژادها در بطن جهانی‌شدن قرار دارند و همه‌ی دولت‌ها و نظام‌ها را در آن به هم مربوط ساخته است (زیاری، 1383: 50). جهانی‌شدن شکل مجرد و یکسانی ندارد، بلکه اشکال مختلفی دارد و به صور گوناگون پدیدار می‌گردد (سعیدی، 1387: 318). جهانی‌شدن فقط نیروی خارجی نیست که بر ما اثر می‌گذارد بلکه ما نیز در آن سهمیم و در زندگی روزمره‌ی ما حضوری ملموس دارد. به عبارتی هم جهانی‌شدن بر ما اثر می‌گذارد و هم ما در جهانی‌شدن نقش داریم (گیدنز، 1384: 43). جهانی‌شدن همه‌ی مردم دنیا را به یک اندازه تحت تأثیر قرار نداده است؛ این امر با توجه به گسترش سرمایه و امکانات، ارتباطات و بسیاری از عوامل دیگر در مناطق مختلف نموده‌های متنوعی پیدا می‌کند.

برای فرآیند جهانی‌شدن سه مرحله را می‌توان مشخص کرد: نخست، هشپاری جهانی حدود پانصد سال قبل شروع شد. دوم، فوق قلمروگرایی که از اواسط قرن نوزدهم ظاهر شد و طی سده‌ی بعد با آهنگی

Nzali@guilan.ac.ir

^۱ - استادیار گروه شهرسازی دانشگاه گیلان (مسئول مکاتبات)

^۲ - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی بناب

۱- Globalization

تدریجی توسعه پیدا کرد. سوم، روابط جهانی که عمدتاً از سال‌های دهه 1960 گسترش یافته و بیشترین اهمیت را به دست آورده است (نوبخت و همکار، 1387: 21).

جهانی‌شدن در بعد اقتصادی از گستردگی، سرعت و عمق بیشتری برخوردار است و دگرگونی‌های اقتصادی دارای نمود و عینیت واقعی در جوامع انسانی هستند، به علاوه پارامترهای اقتصادی از قابلیت اندازه‌گیری بیشتر، استناد و اتکای بالاتری نسبت به ابعاد دیگر برخوردار می‌باشند. به همین دلیل گاه جهانی‌شدن اقتصاد به عنوان بارزترین مشخصه‌ی آن بیان می‌شود (همان: 77). به دلیل تمرکز جمعیت، سرمایه و حضور دولت در شهرها، همواره مراکز شهری بویژه شهرهای بزرگ محل ظهور و تحول جهانی‌شدن اقتصاد می‌باشند. مفاهیم جهانی‌شدن و توسعه‌ی شهرها با یکدیگر پیوند تنگاتنگی دارند، مناطق شهری بزرگ هم مکان ممتاز توسعه و هم برانگیزاننده‌ی آن و نقطه‌ی اتصال سرزمین به جریان مبادلات جهانی هستند (لاله پور و همکاران، 1390: 5). در عصر جهانی‌شدن، شهرهای بزرگ و کوچک جهان از دورترین نقطه‌ی شرق آسیا تا قلب خاورمیانه، اروپا و آمریکا با سیستم‌های رایانه‌ای و وسایل جدید حمل و نقل و مبادله به شدت به هم پیوسته و عنصر تفاوت‌های زمانی و مکانی در حال ناپدید شدن است (سلیمی، 1386: 28).

در حال حاضر با توجه به گسترش فراگیر جهانی‌شدن در میان همه ملل بایستی این پدیده به شکلی هدایت شود تا یک نظام تجاری عادلانه‌تر ایجاد شود. از آنجایی که امروزه با افزایش روزافزون جمعیت نقاط شهری مواجه هستیم؛ توجه به آثار متنوع جهانی‌شدن و هدایت آن با در نظر گرفتن ویژگی‌های متنوع هر شهر می‌تواند زمینه‌ی مناسبی برای توسعه‌ی شهری باشد. در این پژوهش نیز تلاش می‌شود تا به سؤال زیر در رابطه با جهانی‌شدن و توسعه‌ی شهری پاسخ داده شود که آیا جهانی‌شدن اقتصاد و ارتباطات گسترده تجاری به توسعه‌ی شهرها کمک می‌کند؟

اقتصاد، بعدی از جهانی‌شدن

اصطلاح «جهانی‌شدن» برای نخستین بار در سال 1961 در یک واژه‌نامه‌ی آمریکایی نمایان شد (آرت شولت، 1382: 45). در نیمه‌ی دوم دهه‌ی 1980 بود که استفاده از این مفهوم به سرعت رواج پیدا کرد تا حدی که اکنون ردیابی نحوه‌ی انتشار آن در مناطق گسترده‌ای از جهان ناممکن است (رابرتسون، 1380: 36). مفهوم جهانی‌شدن هم به درهم‌فشرده‌شدن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد (همان: 35). پژوهشگران اقتصادی، جهانی‌شدن را به طرق مختلف تعریف کرده‌اند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود؛ کروگمن و رنه بالز جهانی‌شدن را «ادغام بیشتر بازارهای جهانی» تعریف کرده‌اند. از دیدگاه بازانسون مشخصه‌های اصلی جهانی‌شدن عبارتند از:

- یکپارچه‌شدن تجارت از طریق حذف مرزهای تجاری
- حرکت شفاف سرمایه
- تسریع در مبادله‌ی فناوری
- افزایش عمومی در مصرف‌گرایی جهانی (بهکیش، 1384: 25).

سه تأثیر عمده‌ی جهانی‌شدن از نظر گیدنز از این قرارند: اول، وابستگی روزافزون جهانیان؛ دوم، تغییرات و پیشرفت‌های فناورانه و سوم اینکه در عصر جهانی، زندگی ما بیشتر در آینده‌ای مشارکت‌جویانه معنا می‌یابد به جای اینکه بیشتر تحت تأثیر گذشته و سنت باشد (گیدنز، 1384: 49). جهانی‌شدن از علل زیر ناشی شده است که هیچ کدام از این چهار علت، بر دیگری غلبه نداشته و به طور گریزناپذیری به هم پیوسته‌اند:

(1) گسترش عقل‌گرایی به عنوان چارچوب دانش غالب

(2) برخی چرخش‌ها در تحول سرمایه‌داری

(3) نوآوری‌های فناورانه در ارتباطات و داده‌پردازی

(4) تشکیل چارچوب‌های نظارتی توانمند (آرت شولت، 1382: 108).

در آثار صاحب‌نظران متعددی (مور، 1966؛ پارسونز، 1971؛ والراشتاین، 1974، 1979 و 1984؛ بوین، 1990؛ رابرتسون، 1990 و 1992؛ واترز، 1995؛ و ترنر، 1997) عوامل مؤثر بر جهانی‌شدن در سه دسته عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی - جامعه‌شناختی و عوامل سیاسی طبقه‌بندی شده است.

جدول 1- عوامل مؤثر بر جهانی‌شدن از دیدگاه صاحب‌نظران معاصر

عوامل اقتصادی	عوامل فرهنگی - جامعه‌شناختی	عوامل سیاسی
- نظام سرمایه‌داری مدرن	- آگاهی جهانی	- روابط سیاسی بین‌المللی
- تجارت جهانی	- ارتباطات گسترش‌یافته	(پیوندهای فراملی)
- تقسیم کار بین‌المللی	- فراملی	- سیاست‌های رهایی-بخش
- شرکت‌های چند ملیتی	- گسترش توریسم	
- وحدت‌گرایی سازمانی	- تراکم زمان و مکان	
- بازارهای مالی بین‌المللی		
- مهاجرت نیروی کار		

همانگونه که در جدول می‌توان دید بیش‌تر عوامل مؤثر بر جهانی‌شدن از نوع عوامل اقتصادی‌اند (زاهدی، 1386: 332). در فرآیند جهانی‌شدن شاید مهم‌ترین و پیشتازترین بخش، اقتصاد بوده است؛ به طوری که بسیاری از محققان تا مدت‌های مدید، جهانی‌شدن را منحصرأ در چارچوب اقتصاد مورد بررسی قرار می‌دادند و از بخش‌های دیگر جهانی‌شدن، همچون فرهنگ و سیاست غافل بودند. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که روند جهانی‌شدن بیشترین تأثیرات خود را بر اقتصاد جهان داشته است. به هر حال اگر جهانی‌شدن را پیکری واحد تصور نماییم، بخش اقتصادی این پیکر رشد بسیار بیشتری از دیگر بخش‌های آن داشته است و این ویژگی تأثیرات این بخش را بر تمامی امور، وسیع‌تر و گسترده‌تر می‌نماید. اقتصاد جهانی با یک فرآیند جهانی‌شدن مستمر و شتابان دستخوش تحولی عظیم است که کشورهای مختلف دنیا را در همه‌ی سطوح اقتصادی تحت تأثیر قرار داده است. اقتصاد جهانی از طریق تدوین تولید جهانی و بازارهای جهانی بویژه به شکلی بسیار مرسوم در اثر سرمایه‌گذاری جهانی عالم‌گیر شده است (پوراحمد و رستمی، 1384: 4).

جهانی‌شدن اقتصاد در سه بعد قابل بررسی است. اول، تأثیری که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر اقتصاد جهانی گذاشته‌اند؛ دوم، سیاست‌های مالی و پولی و در آخر تجارت و سرمایه‌داری نوین که در قالب

WTO بر اقتصاد جهانی مؤثر واقع می‌شوند (دبیری مهر، 1384: 65). جهانی‌شدن اقتصاد، قدرت کنترل دولت‌ها بر نقل و انتقالات مالی و فناوری را کاهش می‌دهد و به تعامل میان ملت‌ها می‌افزاید، رقابت سرمایه را از محدوده‌های جغرافیایی خاص خارج نموده و در سطح جهان، بی‌قید و شرط و فراگیر می‌کند و نظام‌های منطقه‌ای جدیدی را شکل می‌بخشد (پیشگاهی فرد، 1380: 157).

جهانی‌شدن اقتصاد شرایطی را به وجود می‌آورد که در آن حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، تولید و نقل و انتقال مالی کمترین نقش را خواهند داشت. ارتباط سرمایه و کالا بدون توجه به مرز دولت ملت‌ها برقرار می‌شود و به گفته اقتصاددان معروف "دانی کواح" به تدریج اقتصاد بی‌وزن¹ به وجود می‌آید (همان: 158). طرفداران جهانی‌شدن چنین ادعا می‌کنند که آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه سبب دسترسی این کشورها به فناوری جدید شده و این کشورها را قادر به دستیابی به سطوح بالایی از رشد می‌نماید (نوبخت و همکار، 1387: 62). به طوری که برخی از کشورها از جهانی‌شدن اقتصاد به نفع خود بهره برده‌اند؛ جهانی‌شدن به کشورهای شرق آسیا کمک کرد تا از فقر نجات پیدا کنند. جهانی‌شدن این کار را با فراهم کردن شرایط دسترسی به بازارهای بین‌المللی و همچنین دستیابی به فناوری و افزایش چشمگیر بهره‌وری در اثر آن، انجام داد. اما این کشورها جهانی‌شدن را هدایت کردند: آن‌ها توانستند از جهانی‌شدن بهره‌برداری کنند، بدون اینکه جهانی‌شدن از آن‌ها بهره‌برداری نماید و این مهم‌ترین عامل موفقیت آن‌ها بود (استیگلیتز، 1386: 55).

در فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد چهار گام اساسی را می‌توان برشمرد که عبارتند از:

- گام نخست: خصوصی کردن اموال دولتی که برای کاهش کسری بودجه دولت و نیز عملکرد بهتر بخش خصوصی در اقتصاد واقعی برداشته می‌شود.
- گام دوم: رهاسازی بازار سرمایه است. با این کار سرمایه از مداخله‌های زیان‌بخش دولت رها می‌شود و به سمت و سویی می‌رود که بازده آن بیشتر است.
- گام سوم: کنترل‌زدایی از قیمت‌هاست که به علائم پیشنهادی قیمت‌ها در بازار اشاره دارد. اساس قیمت‌های واقعی، تخصیص‌های کارا و مؤثر است.
- گام چهارم: تجارت آزاد و برداشتن سدهای ورودی و خروج آزادانه کالاها و خدمات است. با این شیوه، کشورها با تکیه به برتری‌های نسبی در تولید کالا و خدمات گوناگون و نیز تخصیص کردن کارها، امکان بیشترین تولید را فراهم می‌سازند و در نتیجه، رفاه و توسعه را برای ملت‌هایشان به ارمغان می‌آورند (طاهری، 1383: 166).

توسعه‌ی اقتصاد شهری

توسعه، ایده و تمرینی است که از اوایل قرن نوزدهم به وجود آمد. این مفهوم با ایده‌ی پیشرفت تفاوت دارد (ملکی، 1382: 35). طی دهه‌ی 1950-1960 که به ده ساله‌ی اول توسعه شهرت یافته است، تحول پرمعنایی روی داد و مفهوم توسعه و گسترش، تنوع و عمق یافت (پاپلی یزدی، 1386: 24). «توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است.» (نراقی، 1379:

۱. Weightless Economy

30). اصطلاح «توسعه‌ی اقتصادی» به طور نسبی تازه است. تا دهه‌ی 1950 اغلب اقتصاددانان، توسعه‌ی اقتصادی را به عنوان رشد مشخص درآمد سرانه‌ی واقعی در کشورهای توسعه نیافته تعبیر می‌کردند. لیکن از آن زمان به بعد بسیاری از اقتصاد دانان تأکید می‌کنند که توسعه‌ی اقتصادی به معنای رشد به اضافه تغییر، بویژه تغییر ارزش‌ها و نهادهاست. توسعه‌ی اقتصادی پدیده‌ای عام‌تر از رشد اقتصادی است و جنبه‌های کمی و کیفی جامعه را در بر می‌گیرد. به طور خلاصه، «توسعه‌ی اقتصادی عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه، که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیان‌های اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است و دستیابی به غایات مطلوب نوسازی اقتصادی فراهم می‌آید.» (همان منبع: 32-33).

در موقعیت کنونی و با توجه به واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی جهان به نظر می‌رسد که توسعه‌ی اقتصادی کشورهای در حال تحول و توسعه نیافته کنونی در گرو فراهم آمدن پنج دسته از عوامل است: اول اینکه برای تحقق یافتن توسعه‌ی اقتصادی، انسان‌هایی مورد نیازند که ذهن و نگرش آن‌ها متحول شده باشد. دوم اینکه باید آموزش‌های ویژه و مناسب توسعه‌ی اقتصادی وجود داشته باشد. سومین عامل توسعه‌ی اقتصادی عامل انباشت سرمایه و به کارگیری سرمایه در الگویی متناسب با فرآیند توسعه‌ی اقتصادی است؛ در کنار سه عامل فوق، توسعه‌ی اقتصادی مستلزم عامل چهارمی تحت عنوان مدیریت و نظام اقتصادی مناسب است و در نهایت پنجمین عامل توسعه‌ی اقتصادی عبارتست از: حفظ ثبات در نظام و مدیریت اقتصادی. عوامل پنجگانه فوق باید هماهنگ و دست در دست هم توسعه و گسترش یابند زیرا فقدان هر یک از این عوامل حتی در صورت تحقق سایر عوامل، باز هم فرآیند توسعه را دچار توقف خواهد کرد (عظیمی، 1384: 176).

توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی پایدار رابطه‌ای نزدیک و متقابل دارند. توسعه را باید در چشم‌انداز تاریخی بررسی کرد، به عبارت دیگر توسعه منوط به دیدگاهی بلند مدت است و این امر مستلزم آن است که در دوره‌ی زمانی طولانی، امنیت اقتصادی حفظ شود، از این رو، تداوم و پایداری فرآیند توسعه و حفاظت از محیط زیست موضوع محوری در مباحث مربوط به توسعه می‌باشد (گریفین، 1378: 48). پایداری به عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نمی‌کند و از کلمه Sustenere (Sus یعنی از پایین و Tenere یعنی نگهداشتن) به معنای زنده نگهداشتن یا نگهداشتن گرفته شده است که بر حمایت یا دوام بلند مدت دلالت می‌کند (زاهدی، 1385: 47). توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای کنونی جهان را مرتفع می‌سازد بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در دستیابی به نیازهایشان با مشکل مواجه نماید (تقی‌زاده، 1379: 54). پیمان ملّی بریتانیا برای پایداری چهار مشخصه تعیین کرده است:

- ایجاد محیط زیست مطلوب (پایداری زیست محیطی)
 - ایجاد محیط فرهنگی (پایداری فرهنگی)
 - ایجاد محیط اقتصادی مطلوب (پایداری اقتصادی)
 - ایجاد محیط اجتماعی مطلوب (پایداری اجتماعی) (سعیدی، 1387: 200).
- ایجاد یک محیط اقتصادی مطلوب در شهرها یکی از مهم‌ترین نکات قابل توجه در دستیابی به پایداری آن‌هاست، چنانچه توسعه‌ی پایدار را می‌توان بازگشت به طبیعت، پس از یک قرن حاکمیت صنعتی شدن،

تجارت و شهرگرایی، به عنوان شاخص‌های پیشرفت ملی توصیف کرد (میکسل، 1376: 27). گام نهادن در توسعه‌ی شهری نیازمند برخی مؤلفه‌هاست که از جمله‌ی این شاخص‌ها عبارتند از:

- فراهم بودن نیروی انسانی
 - فراهم بودن زیرساخت‌ها بویژه زیرساخت‌های ارتباطی و الکترونیکی در شهرها
 - فعالیت مراکز آموزشی و علمی - پژوهشی در شهرها
 - وجود شرکت‌ها، مؤسسات تجاری و بازارهای بورس فعال در شهرها
 - وجود نمایشگاه‌های تجاری و سالن‌های همایش و ...
- با وجود مؤلفه‌هایی که برای توسعه‌ی شهری لازم است، برای همگام بودن با فرآیند جهانی شدن اقتصاد در شهرها ضروری است شرایط دیگری نیز مهیا باشند تا توسعه‌ی شهری امکان‌پذیر گردد؛ شرایطی که می‌توان به نوعی آن‌ها را کانال‌های جهانی شدن شهرها در راستای توسعه‌ی اقتصادی و شهری آن‌ها مطرح کرد. از جمله‌ی آن‌ها عبارتند از:

- برخورداری از توانایی نیروی کار متخصص و با تجربه
 - تأمین انواع زیرساخت‌ها برای توسعه‌ی شهری
 - بهره‌گیری از سرمایه شرکت‌های خصوصی همکاری مستمر آن‌ها با سازمان‌های دولتی
 - برپایی نمایشگاه‌ها و همایش‌های مختلف منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در شهرها
 - ارتباط فعال میان شرکت‌های تجاری و بانک‌ها
 - استفاده از تجارب موفق شرکت‌های بزرگ چندملیتی در شهرهای کشورهای مختلف
 - حمایت دولت از سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های تجاری در شهرهای مختلف و ...
- جامعه‌ی جهانی ما در حال حاضر روند ناپایداری را طی می‌کند. تحقق جهانی شدن اقتصادی برای شهرها در صورتی که نتوانیم مشکلات موجود در آن‌ها را به منظور دستیابی به توسعه حل کنیم، چندان ارزشی نخواهد داشت. جهانی شدن اقتصادی موجب تقویت توانایی‌ها برای بهره‌برداری بی‌رحمانه از منابع با سرعتی بیش از توانایی ما برای کمک به رشد و توسعه‌ی شهرها شده است. در روابط جهانی شدن میان کشورها و تأکید بر توسعه‌ی شهرهای آن‌ها بایستی توجه داشته باشیم که برای دستیابی به شهرهای توسعه‌یافته جهانی، ضروری است علاوه بر توجه به توسعه‌ی شهری به توسعه و حفاظت از محیط‌های روستایی نیز اقدام کنیم که این کار به مراتب پیچیده‌تر بوده و به مطالعات و برنامه‌ریزی‌های دقیق نیازمند است. بایستی جهانی شدن به گونه‌ای بازسازی شود که هم مردم کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه، نسل‌های فعلی و نسل‌های آینده، همه بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

جهانی شدن اقتصاد در شهرها

اصولاً جهانی شدن پدیده‌ای اقتصادی است و نظیر همه‌ی پدیده‌های اقتصادی می‌تواند سبب تأثیراتی بر محیط گردد. لازمه‌ی همگرایی جهانی افزایش جابه‌جایی کالا و مواد اولیه است. جهانی شدن اقتصادی موجب توسعه و افزایش فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد تغییراتی در بهره‌برداری از محیط می‌شود؛ بنابراین تجارت آزاد و فعالیت شرکت‌های چندملیتی از راه‌های گوناگون می‌تواند به محیط زیست آسیب رساند. اقتصاد جهانی

رفته رفته در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های فراملیتی قرار گرفته و جهان به میدان عمل گسترده این شرکت‌ها مبدل می‌شود. با نفوذ شرکت‌های فراملیتی در ارکان اقتصاد کشورها، موجودیت دولت‌ها نیز به آن‌ها وابسته شده و قدرت روزافزون اقتصادی آن‌ها با نفوذ سیاسی بر دولت و سیاست اجرایی کشورها عجین می‌گردد. بدین ترتیب امکان کنترل و نظارت دولت بر این شرکت‌ها با تحقق بیشتر فرآیند جهانی‌شدن در گذر زمان به ضعف می‌گراید. به عبارت دیگر شرکت‌های فراملیتی کمتر خود را ملزم به رعایت مقررات و استانداردهای زیست محیطی موضوعه از جانب دولت می‌بینند و دولت‌ها نیز یا از وضع قوانینی که در جهت منافع این شرکت‌ها نباشد، اکراه دارند یا اقتدار اجرایی خود را از جهت الزام شرکت‌ها به رعایت قوانین زیست محیطی از دست می‌دهند. همچنین از آنجا که این شرکت‌ها فاقد احساس تعهد به بوم نیز می‌باشند، کمتر به استانداردهای محیطی پای‌بند می‌مانند. کسب سود بیشتر ایجاب می‌کند برای توفیق در مقابل رقیبان تا حد امکان هزینه‌ها کاهش یابند و طبیعی است که صرفه‌جویی در هزینه‌ها، موضوع محیط زیست را نیز شامل گردد.

شهرها مخلوق فرآیند قدرتمند شهرنشینی هستند که خود منبعث از رشد اقتصادی و تا حدی سیاست‌های دولتی است (جان اسکات، 1384: 241). تمام شهرها به طور یکسان تحت تأثیر جهانی‌شدن قرار نمی‌گیرند. هر شهر کنش متقابل جهانی و محلی خاص خود را دارد (رنای شورت، 1384: 187). جهانی‌شدن در شهرها بخصوص در شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد. نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات، فرهنگ و سیاست در حال ظهور از نظر فضایی از طریق شبکه‌ی جهانی شهرها شکل می‌گیرد. تغییرات جهانی اقتصاد، فرهنگ و سیاست اثرات زیادی بر تجدید ساختار شهرها در اطراف جهان دارد (همان: 13).

جهانی‌شدن می‌تواند ضمن رونق شهرنشینی به ساماندهی نظام شهری کمک کند (نظریان، 1386: 49). در سال‌های اخیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای در شهرهای جهان سوم از نظر تغییر کاربری‌های شهری به وجود آمده است و بسیاری از مغازه‌ها و کارگاه‌ها تغییر کاربری داده و به دفاتر شرکت‌های چند ملیتی، مغازه‌های الکترونیکی، کافی‌نت و مراکز خرید و فروش گوشی تلفن همراه تبدیل شده‌اند. بنابراین به تبع جهانی‌شدن و تغییر کاربری بویژه در قسمت مرکز تجاری شهرها، قیمت زمین و مغازه‌ها بالا رفته و این قسمت از شهر به رشد عمودی روی آورده است. اکثر مبادلات اقتصادی در مرکز تجاری شهر از طریق رسانه‌های پیشرفته ارتباطی مانند اینترنت انجام می‌گیرد. در حقیقت امروزه بخش مرکز تجاری شهر، تولیدکننده و صادرکننده نیست بلکه مرکز دفاتر شرکت‌های بزرگ تولیدی و صادراتی می‌باشد (فرید، 1368: 298-284).

از جمله شاخص‌هایی که می‌تواند شهرها را از نظر اقتصادی در مسیر جهانی‌شدن قرار دهد، می‌توان به سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، مهاجرت نیروی کار بویژه نیروی کار خارجی، توسعه‌ی شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات از راه دور، توسعه‌ی بازار بورس و تجارت اینترنتی، توافق‌نامه‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی میان شهرهای جهان، برگزاری نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، افزایش مسافرت‌های خارجی و افزایش خطوط هوایی، همکاری‌های بین بانکی در شهرها و همکاری‌های چند جانبه با شرکت‌های چندملیتی اشاره کرد. با این وجود آنچه در مطالعات اقتصاد جهانی‌شده شهرها به عنوان مهم‌ترین عامل قابل

بررسی است، عملکرد شرکت‌های چند ملیتی است که نقش عمده‌ای در بازارهای اقتصادی دنیا دارند. به طوری که شهرهایی که دارای تعداد زیادی از این شرکت‌ها هستند، به عنوان مراکز تصمیم‌گیرنده تجاری و تنظیم‌راهبردهای اقتصادی مطرح هستند.

یکی از مهم‌ترین تغییرات در جهان اقتصاد در دهه‌های گذشته، افزایش در تحرک سرمایه در اطراف جهان بوده است. جهانی‌شدن با قابلیت انتقال بیش از حد سرمایه از مرزهای ملی همراه است. سرمایه‌ی متحرک اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد، مانند صنایع با فناوری بالا و غیرمقید به مکان، اشتغال، مؤسسات، مراسم (کنوانسیون‌ها و همایش‌ها) و گردشگری. سرمایه‌های متحرک زیاد و در حال رشد را می‌توان از طریق ترکیب درست مشوق‌ها و ویژگی‌ها به شهرهای خاصی جذب کرد. دهه‌های گذشته شاهد رقابت رو به افزایش بین شهرها در سراسر دنیا در خصوص این سرمایه‌های متحرک بوده است. رقابت بین شهرها از طریق رشد مؤسسات چندملیتی، که دورنمای جغرافیایی گسترده‌ای هنگام سرمایه‌گذاری‌های جدید دارند، عمیقاً تشدید شده است؛ از طریق حکومت‌های شهری که نقش روزافزونی در ایجاد و بازاریابی خود در تلاش به منظور جذب سرمایه‌گذاری رو به داخل دارند؛ از طریق ظهور بخش‌های اقتصادی جدید جهان‌گستر همچون خدمات مالی و تولیدی، از طریق رقابت مؤسسات بین‌المللی برای قرارگیری درون شهرها و از طریق رقابت برای رویدادهای جهانی همچون مسابقات مهم ورزشی، جشنواره‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های تجاری که به تولید تأثیرات اقتصادی می‌انجامد. در کنار رقابت شدید بین شهرها در مقیاس جهانی، «بازسازی فضایی» پیامد شهری دیگر جهانی‌شدن اقتصادی است. ظهور بخش‌های مالی جدید و نواحی مسکونی لوکس حاصل رشد سریع بخش‌های مالی و خدماتی و هجوم گسترده‌ی سرمایه متحرک به کلان‌شهرهای بزرگ در اقتصادهای پیشرفته بوده است (رنای شورت، 1384: 14). علاوه بر تمام مزایا و منافع که جهانی‌شدن در کلان‌شهرها دارد بایستی اشاره کرد که با افزایش نقش شهرها و ارتقای جایگاه اقتصادی آن‌ها در منطقه و اقتصاد جهانی مشکلات عدیده‌ای برای محیط زیست آن‌ها، از جمله ترافیک و انواع آلودگی‌ها، بحران فقر و کمبود درآمد، بروز می‌کند.

فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی‌شدن

الف) فرصت

- توسعه‌ی بازارها در ماورای مرزهای ملی
- با جهانی‌شدن اقتصادی، سرمایه با آزادی بیشتر حرکت خواهد کرد
- جهانی‌شدن با ایجاد فضای باز رقابتی باعث افزایش کارآیی بنگاه‌های داخلی و گسترده‌شدن فعالیت شرکت‌های چند ملیتی می‌شود (بهبکیش، 1384: 46).
- جهانی‌شدن اقتصاد زمینه‌ی تقویت همکاری و همبستگی بین‌المللی در زمینه‌های متفاوت را بین شهرها فراهم می‌آورد
- افزایش کارایی محصولات تولیدی به واسطه‌ی گسترش آن‌ها در سطح جهانی
- ارتقای رفاه جهانی ناشی از کاهش هزینه‌ها

- تعدادی از دانشمندان جهانی شدن را برای شهرهای جهان و از جمله شهرهای کشورهای در حال توسعه فرصت مناسبی دانسته‌اند که منجر به حذف موانع جابه‌جایی سرمایه‌ها و منابع، تقسیم کار بهتر، رشد اقتصادی و در نهایت توسعه‌ی شهری خواهد شد.

ب) تهدید

- اقتصاد جهانی و به تبع آن توسعه‌ی شهری تنها تعداد کمی از کشورهای عضو و شهرهای آن‌ها را پوشش می‌دهد که به طور فزاینده‌ای از نظر اقتصادی با هم ارتباط بینابینی دارند
- رواج سریع بحران‌های مالی و آسیب پذیری شهرها از روند توسعه
- وضعیت دشوار رقابت برای واحدهای صنعتی مختلف در شهرها بویژه شهرهای کوچک
- جهانی شدن اقتصاد و تأثیرات مثبت آن بر توسعه‌ی شهرها تنها در معدودی از کشورها اتفاق می‌افتد
- افزایش فاصله‌ی طبقاتی و گروه‌های درآمدی بین مردم در جریان توسعه‌ی ناکارآمد شهری
- آسیب‌پذیری نظام اقتصادی شهرها در کشورهای در حال توسعه

پیشنهادها

پیشنهادها زیر در رابطه با تأثیرات جهانی شدن بویژه جهانی شدن اقتصاد بر توسعه‌ی شهرها می‌تواند به عنوان راهکارهایی در عصر ارتباطات و فناوری اطلاعات بخصوص در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گیرد.

- استفاده بهینه از قابلیت‌های اقتصادی شهرها
- به‌کارگیری فناوری‌های جدید ارتباطی در تجارت (تجارت الکترونیک)
- استفاده از تجربیات موفق شهرهای جهانی در زمینه‌ی مبادلات اقتصادی
- توجه بیشتر به بازارهای بورس در شهرها
- از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی
- همکاری نزدیک دولت‌مردان با فعالان عرصه‌ی صنعت و تجارت
- استفاده از نظریات اساتید، مدیران باتجربه و صاحب‌نظران برای دستیابی به توسعه‌ی شهری
- نکته‌ی آخر این که جهت استفاده هر چه بهتر و مناسب‌تر از اثرات جهانی شدن بایستی بر شهرها به عنوان خاستگاه جهانی شدن توجه و تأکید بیشتری صورت گردد.

نتیجه

امروزه در محافل دانشگاهی و پژوهشی همچنین در عرصه‌ی تجارت و روابط اقتصادی بحث و بررسی در خصوص جهانی شدن اقتصاد و ارتباط آن با توسعه بسیار بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است. زمینه ساز توسعه‌ای که برای بقای بشر لازم است اقتصاد توسعه یافته چه از دید کمی و چه از دید کیفی در سطح همه کشورهای است. راه نجات کره‌ی زمین از نابودی در گرو رشد و ارتقای اقتصاد و استفاده‌ی همه مردم از سرمایه

و خدمات دنیای در حال تحول است؛ بدین منظور ضروری است توجه به مسائل زیست محیطی و پایداری آن‌ها برای نسل‌های آتی بویژه جمعیت ساکن در شهرها در اصول حاکم بر روابط میان شرکت‌های بزرگ اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

دستیابی به منافع بالقوه‌ی جهانی‌شدن و توسعه‌ی شهری نیازمند مدیریت اقتصادی و سیاست‌گذاری کارآمد از طرف سیاست‌گذاران اقتصادی و مدیران شهری است. بنابراین هر چند که جهانی‌شدن فرصت‌هایی را برای دستیابی به منافع بالاتر برای شهرهای کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند، اما توانایی شهرها برای کسب این منافع بسیار متفاوت است و در نهایت برخی برنده و برخی بازنده خواهند بود. مهاجرت و رشد فزاینده جمعیت در شهرها بویژه شهرهای بزرگ چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای ایجاد ثروت و پایداری زیست محیطی در شهرها به وجود می‌آورد. در دنیایی که بواسطه‌ی ارتباطات و بسیاری از عوامل دیگر آنقدر کوچک شده که به تعبیر مک لوهان دهکده‌ای جهانی است، ضروری است که هر کشوری در تعامل با کشورهای دیگر و با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی خود، توأم با ماشین زمان حرکت کرده و همگام با شرایط اقتصاد جهانی در پیشبرد توسعه‌ی شهرهای خود برای نسل‌های آینده مشارکت فعال داشته باشد. بدون تردید توسعه به عنوان یک اصل مهم برای حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و دیگر ابعاد زندگی بشر مطرح است. بنابراین بایستی با مدیریت شهری کارآمد و استفاده از تمام توانمندی‌ها به توسعه‌ی شهرها توجه نمود.

منابع

- آرت شولت، یان (1382)، "نگاهی موشکافانه بر پدیده‌ی جهانی‌شدن"، ترجمه‌ی مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات شرکت علمی و فرهنگی.
- بهکیش، محمد مهدی (1384)، "اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن"، تهران، انتشارات نی، چاپ سوم.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و حسین رجبی سناجردی (1386)، "نظریه‌های شهر و پیرامون"، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- پیشگاهی فرد، زهرا (1380)، "ابعاد جهانی‌شدن"، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ص 172-155.
- تقی زاده، محمد (1379)، "توسعه‌ی پایدار، شهر سالم و فرهنگ ایرانی"، مسکن و انقلاب، شماره 92-91.
- جان اسکات، آلن (1384)، "شهر- منطقه‌های جهانی"، ترجمه‌ی پانته‌آ لطفی کاظمی، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
- دبیری مهر، امیر (1384)، "جهانی‌شدن و توسعه ملی"، راهبرد یاس، سال اول، شماره چهارم، ص 61-82.
- رابرتسون، رونالد (1380)، "جهانی‌شدن تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی"، ترجمه‌ی کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.

رنای شورت، جان و یونگ هیون کیم (1384)، "جهانی‌شدن و شهر"، ترجمه‌ی احمد پور احمد و شایان رستمی (قهرمان)، تهران، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی.

_____، ترجمه‌ی پانته‌آ لطفی کاظمی،

تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

زاهدی، شمس السادات و غلامعلی نجفی، (زمستان 1385)، "بسط مفهومی توسعه‌ی پایدار"، فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی، دوره‌ی 10، شماره‌ی 49، صص 43-76.

زاهدی، محمد جواد (1386)، "توسعه و نابرابری"، تهران، انتشارات مازیار، چاپ سوم.

زیاری، کرامت اله (1383)، "مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای"، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.

سعیدی، عباس (1387)، "دانشنامه‌ی مدیریت شهری و روستایی"، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

سلیمی، حسین (1386)، "نظریه‌های گوناگون درباره‌ی جهانی‌شدن"، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.

طاهری، صالح (1383)، "ماهیت جهانی‌شدن و فرصت‌های فراروی صنعت و معدن ایران"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره 11 و 12، صص 171-164.

عظیمی، حسین (1384)، "مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران"، تهران، انتشارات نی، چاپ ششم.

فرید، یداله (1368)، "جغرافیا و شهرشناسی"، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.

گریفین، کیت (1378)، "مروری بر جهانی‌شدن و گذار اقتصادی" ترجمه‌ی محمدرضا فرزین، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

گیدنز، آنتونی (1384)، "چشم اندازهای جهانی"، ترجمه‌ی محمدرضا جلائی پور، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ دوم.

لاله پور، منیژه، هوشنگ سرور و رحیم سرور (1390)، "مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی مناطق کلانشهری در عصر جهانی‌شدن اقتصاد با تأکید بر منطقه‌ی کلانشهری تهران، فصلنامه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره‌ی 11.

میکسل، ریموند اف (1376)، "توسعه‌ی اقتصادی و محیط زیست"، ترجمه‌ی حمیدرضا ارباب، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

نراقی، یوسف (1379)، "توسعه و کشورهای توسعه نیافته"، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم.

نوبخت، محمداقبر و حامد محمدی (1387)، "فرایند جهانی‌شدن تغییرات و الزامات لازم در حوزه‌ی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران"، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.